

تهران و املاک خالصه ورامین^۱

از: دکتر منصوره اتحادیه

این مقاله معرفی‌سندی است تحت عنوان «صورت خالصه تهران»^۲ موضوع آن درباره دهات خالصه ورامین است در جزء بلوک تهران. سند مزبور حاوی اطلاعات جامعی از اوضاع کلی دهات، از قبیل نفوس و عوامل مانند: آب، بذر، نیروی انسانی، احشام و غیره است که در اینجا مورد تحلیل واقع می‌شود.

تهیه آمار و احصائیه در دوره قاجار، اولین بار در دوره ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۲۶۹ آغاز گشت. اوج آن در دوران صدارت میرزا حسین خان مشیرالدوله بوده که تهیه و تدوین آمار به لحاظ علمی پیشرفت کرده است.^۳ تاریخ تدوین سند فوق‌الذکر دقیقاً روشن نیست. ولی چندین بار در متن به «هذه السنة پیچی نیل اشاره شده است که، به احتمال قریب به یقین، برابر سال ۱۲۸۹ هجری قمری است، یعنی یک سال پس از شروع صدارت میرزا حسین خان، سال‌های پیچی نیل در دوره ناصری عبارت بودند از: ۱۲۶۵، ۱۲۷۷، ۱۲۸۹، ۱۳۰۱، ۱۳۱۳ هجری قمری. با توجه به شرایط و وقایع هریک از این سال‌ها، چنین به نظر می‌رسد که احصائیه مزبور متعلق به ۱۲۸۹ هجری قمری می‌باشد.

در سال‌های ۱۲۸۷-۸۹ قحطی شدیدی در ایران بروز کرد که، بنا بر گزارش

۱. خلاصه این مقاله در مجله IJMES شماره ۲۵ (۱۹۹۳) به زبان انگلیسی چاپ شده است.

۲. «صورت املاک و خالصه تهران»، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ثبت ۸۶۴۹.

۳. سعدوندیان، سیروس: «درآمدی بر جمعیت‌شناسی تاریخی ایران در عصر قاجار و نتایج احصائیه اصفهان در ۱۲۸۷ هجری قمری»، پایان‌نامه درجه فوق‌لیسانس، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه تاریخ، ۱۳۶۷، ص ۸-۵۸.

های موجود چهارکرو مردم تلف شدند.^۱ نرخ نان «به پنج هزار دینار و شش هزار دینار رسید که آدمیان بچگان را در دیده در دیگ پخته و خوردند و سگان راکشتند و قوت خود کردند...»^۲ عبدالله مستوفی در این باره می نویسد:

«زمستان ۱۲۸۸ قیمت نان به یک من پنج قران که پانزده یا شانزده برابر قیمت عادی آن بود رسید. به طوری که مجبور شدند از روسها استمداد کنند و شاید برای دفعه اول پای آرد حاجی طرخان حمل می کردند به آرد حاجی طرخان معروف گردید، به ایران باز شد... این اول دفعه ای بود که ناصرالدین شاه در سلطنت خود با چنین پیش آمدی مواجه شده و سبب گردیده است که در آتیه همیشه حساب کارنان شهر تهران را داشته و تحت مراقبت خود نگاهدارد و از تکرار نظیر آن جلوگیری کند. به هر صورت در ماه سوم بهار سال ۱۲۸۹، غله بلوکات گرمسیر تهران رسید و قیمت نان بعد از یک ماهی به همان شش هفت شاهی قبل از سنوات خشکی و قحطی تنزل کرد.»^۳

جمعیت تهران در اوایل قرن یعنی در ۱۲۰۰ هـ ق، حدود ۱۵۰۰۰ الی ۳۰۰۰۰ نفر و در ۱۲۸۶، ۱۴۸۲۵۶ نفر و در ۱۳۱۷، ۲۴۴۱۲۲۵ بود.^۴ بروز قحطی پیاپی در تهران در سال های ۱۲۷۷، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸-۹، ۱۳۱۴، ۱۳۱۶^۵ و اغتشاشات ناشی از آن اهمیت خالصجات حوالی تهران را چندین برابر می کرد و چنانچه خواهیم دید، دولت بابت مالیات جنسی ۴۲٪ غله از این دهات می گرفت تا در

۱. آدمیت، فریدون. اندیشه ترقی و حکومت قانون. عصر سپسالار، تهران خوارزمی ۱۳۵۱، ص ۱۲۰.
۲. افضل الملک، غلامحسین افضل التواریخ. به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سعدوندیان، سیروس. تهران (نشر تاریخ ایران) ۱۳۶۱، ص ۸۸-۲۸۷. همچنین مستوفی، عبدالله. شرح زندگانی من با تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ۳ جلد، تهران (زوار) ۱۳۲۱، چاپ دوم، ج ۱ ص ۱۱۰.
۳. مستوفی، عبدالله. همان کتاب، ص ۴۸۸.
۴. آمار دارالخلافة تهران (اسناد از تاریخ اجتماعی تهران در عصر قاجار) ۱۲۶۹ هـ ق، ۱۲۷۶ هـ ق، ۱۳۱۷ هـ ق به کوشش سیروس سعدوندیان و منصوره اتحادیه (نظام مافی) نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۶۸، ص ۳۴۶ و ۳۵۵. همچنین عیسوی، چارلز. تاریخ اقتصادی ایران در عهد قاجاریه ۱۳۳۲-۱۲۱۵ هـ ق، ترجمه یعقوب آژند، تهران، ۱۳۶۲، ص ۳۰.
۵. عیسوی، چارلز. تاریخ اقتصادی ایران در عهد قاجاریه ۱۳۳۲-۱۲۱۵ هـ ق، ترجمه یعقوب آژند، تهران، ۱۳۶۲، ص ۳۹.

موارد ضروری بتواند به نان رساندن پایتخت کمک نماید.^۱ طی این سال ها، تهران و اطراف آن، و به طور کلی مرکز ایران، بیش از سایر نقاط صدمه دیدند.^۲ بدون شک، این صدمات وصول و میزان مالیات را مختل کرد؛ بخصوص که ممیزی ها قدیمی بودند و با واقعیات تطبیق نمی کردند. تهیه احصائیه و اطلاعات جدید در دوره میرزا حسین خان مشیرالدوله تا حدودی ناشی از نیازهای دولت بود. در سند مزبور، در اغلب موارد به اجاره های سابق اشاره شده است که نمایاننده آن است که دولت در صدد تجدیدنظر و تهیه ممیزی جدید بر آمده است.

در ۱۲۸۹، دستورالعملی مبنی بر تدارکات «مجلس ترتیبات ملکیه» صادر شد. در مقدمه آن دستور داده شده است که در یکی از ولایات بطور نمونه، وضع حکومت حالیه یعنی اداره کلیه امور آن ولایات «بابسط اختیار تام به شخص بالانحصار والانفراد موقوف و متروک گردد و مجلس مشاوره ای با عضویت حاکم، مستوفی، مأمور نظام، امین عدلیه و کارپرداز مهمام خارجه و امین وظایف تشکیل شود که به امور ولایت بپردازند.» طبق این دستورالعمل، از جمله وظایف این شورا، تهیه اطلاعات جامعی بود از دهات مثل جمع آوراطلاعات درباره حدود اراضی، میزان زمین بایر و مزروعی هر قریه، مقدار کشت، نوع زراعت آبی و غیره، تعیین قراء خالصه و اربابی، وضع باغات و جنگلها، نوع شخم، وجود معادن و اشجار نفیس، تعداد حمام ها و مساجد و دکاکین، نوع مذهب، تعداد طوایف، بعد مسافت تا پایتخت، تعداد نفوس و مزارع و مواشی، میزان حرارت و برودت هوا و مالیات قریه و تعداد و سایر خدمه دیوان و غیره.^۳ ظاهراً طرح مزبور به اجراء گذاشته نشد. ولی، احتمال دارد تهیه اطلاعات درباره خالصه و رامین^۴، در ارتباط با این طرح بوده باشد. شناخت وضع دقیق

۱. افضل الملک، ص ۴۸۸.

۲. خاطرات و اسناد حسینقلی خان نظام السلطنه مافی، به کوشش مافی، معصومه اتحادیه (نظام مافی)، منصوره. سعدوندیان، سیروس. رام پیشه، حمید. تهران (نشر تاریخ ایران) ۱۳۶۱، صص ۸۸-۲۸۷.

۳. سعدوندیان، سیروس. درآمدی بر جمعیت شناسی تاریخی ایران در عصر قاجار و نتایج احصائیه اصفهان در ۱۲۸۷ هجری قمری.

۴. مذاکرات مجلس اول، ۴ رمضان ۱۳۲۵، ص ۴۸۸.

خالصجات، که یکی از منابع درآمد دولت بود، از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. در مجلس دوره اول نیز، هنگامی که دولت در صد اصلاح مالیات و تجدید ممیزها بود، اولین ناحیه ای که مورد نظر قرار گرفت ورامین بود^۱. توجه به ورامین در سند مورد بحث اضیاً پس از مشروطیت، شاید به سبب قرب مسافت این ناحیه به مرکز و لاجرم سهولت ممیزی آن بوده باشد و نیز نقش مهمی که در رساندن آذوقه به پایتخت داشت^۲.

بنابراین، شناخت وضع دقیق خالصجات که یکی از منابع درآمد دولت بود از اهمیت بسیار برخوردار بود. اطلاعات موجود درباره املاک خالصه قاجاری قلیل

۱. دشت ورامین از رسوبات آبرفتی رودخانه جاجرود تشکیل شده است. از شمال به لواسانات، از غرب به شهرستان شهرری، از مشرق گرمسار و ایوانکی و دشت کویر و سیاه کوه محدود است. آب و هوای ورامین به علت همجواری با کویر خشک و گرم است و گرم است و مقدار بارندگی آن کم است. فقط آب و هوای دامنه ای، ورامین تا شمال غرب شهرستان نیمه خشک است. زمستان های آن کوتاه و سرد و بارندگی آن سالیانه ۲۰۰ الی ۳۰۰ میلیمتر است. جنوب آن شامل قسمتهای بیابانی است هوا خشک و حد وسط بارندگی سالیانه بین ۵۰ الی ۱۵۰ میلی متر است. روستاهای واقع در شمال ورامین به دلیل برخورداری از آب جاجرود آبادتر از جنوب هستند. جاجرود بطور طبیعی پس از عبور از قریه پاچین در کبودگنبد، به چند رشته مجزاتقسیم میشود. و هر یک از آنها به مصرف آبیاری قسمتی از ورامین میرسد. همه رستاهای بطور مساوی از آب رودخانه مشروب نمیشوند. کمبود آب از طریق استفاده از آبهای زیرزمینی تأمین می شود.

اراضی دشت ورامین حاصلخیز و برای کشت مستعد میباشد. ولی، به علت کمبود بارندگی زراعت دیم انجام نمی گیرد و دامداری آنجائیز چندان قابل توجه نیست.

صالحی، هما، سمینار دوره عالی تحقیقات، دانشگاه آزاد ۶۶-۱۳۶۵. بررسیهای درباره ورامین و مسائل کشاورزی آن. ونیز آذری (دمیرچی) علاالدین جغرافیای تاریخی ورامین، تهران ۱۳۴۸.

۲. افضل الملک در این باره مینویسد:

«در فصل سنبله و میزان هذه السنه هزار و سیصد و شانزده که وقت درو کردن و برداشت خرمن هابود، زارعین هرملکی در بلوکات تهران - مثل: خوار و ورامین و سایر بلوک خرمن ها را که روی هم انباشتند، گمان کردند که حاصل خوب بدست آمده است و «خدار» ها و اهل تخمین هرخرمنی را پربار تصور میکردند، ولی چون خرمن کوبیده شد و گندم از گاه جداگشت به میزان آمد، تمام «خداران» خراصان که وزن گندم و جوهر خرمنی رابه تخمین در میآوردند دیدند خطا کرده اند و حاصل درست بعمل نیامده است ... خبازان و اهل شهر محتاج به گندم خمسه و ساوه و عراق شدند. کرایه بارگیری گندم از شهرهای دور بر قیمت گندم قدری افزود».

افضل التواریخ، ص ۲۸۷ و نیز نگاه کنید به: مستوی ص ۴۸۸.

واغلب بطور پراکنده اند و تحقیق جداگانه و جامعی نیز در این باب نشده است. به نظر میرسد که مساله اصلی که کار را دشوار میسازد، تنوع مطالب میباشد. املاک خالصه در سراسر ایران گسترده و هریک تابع شرایط خاصی بوده اند و لهذا به لحاظ مسائل کشاورزی و آداب و رسوم محلی تابع قانون واحدی نبودند. بعلاوه، تعداد آنها نیز متغیر بود. هریک نیز به دلیلی و در زمان های مختلف به تملک دولت درآمده بودند. برای مثال، دولت املاک الهیارخان آصف الدوله را، که یاغی شده بود، ضبط کرد و املاک عیسی خان مجدالدوله را بابت حکومت گیلان از وی قبول کرد.^۱

خانم لمبتن، در کتاب مالک و زارع، تقریباً اطلاعات جامعی درباره مسائل کشاورزی ایران و خالصجات دولت گرد آورده است. ولی ایشان نیز فقط به ذکر نمونه هائی از برخی نقاط ایران، آن هم بسیار سطحی، اکتفا نموده اند. بنابراین بررسی سند «صورت خالصه تهران» و تحلیل محتوایی آن اهمیت بسزائی دارد. زیرا به شناخت بیشتر مسائل خالصجات که سهم مهمی را در مالیات کشور و نظام حکومتی داشته است، کمک خواهد کرد. از این گذشته سند مزبور اطلاعات بیشتری نیز درباره وضع اقتصادی و معیشت روستائیان حوالی تهران به دست می دهد.

املاک خالصه به دولت تعلق داشت و دیوان آنها را اغلب برای مدتی نسبتاً طولانی به اجاره میداد. کشت در املاک خالصه توسط دهقانان انجام میگرفت و شرایط آن با دهات ارباب مشابه بود. ولی، دولت نیز گاه املاک خالصه را به جای پرداخت حقوق به عنوان تیول در مقابل خدمت به افراد واگذار می کرد،^۲ بدین جهت هم به آنها سخت علاقمند بود.

درباره وضعیت کشاورزان در دهات خالصه، اختلاف نظر وجود دارد. برای مثال سرجان ملکم در ۱۸۱۵ می نویسد: «زمین های خالصه را دهقانان طبق شرایطی که بسیار به صرفه آنهاست، زراعت می کنند».^۳ استک نیز در ۱۸۸۲ می

۱. ا. ک. س. لمبتن. مالک و زارع در ایران ترجمه منوچهر امیری. تهران ۱۳۴۵. ص ۴۲۵ و همچنین: عبدالله مستوفی. همان کتاب، ص ۴۸۸.

۳. همان مأخذ، نقل از ملکم، تاریخ ایران، ص ۲۸۷.

نویسد: «ظاهراً مالیات اربابی از دهات خالصه کمتر است. زیرا مستأجران فقیرترند و مانند اربابها نمی توانند با دوات معامله کنند. کرزن راعقیده براین است که: «در معامله مستاجرین و دولت معامله بیشتر به نفع مستأجرین است.»^۲

مالیات دهات یک کاسه تعیین می شد و در محل بین اهالی تقسیم می گشت.^۳ نرخ مالیات و مأخذ آن تفاوت بسیار داشت. در هر نقطه از کشور، یا حتی در یک ایالت، این تفاوت به چشم می خورد. بخشی از مالیات جنسی از قبیل گندم، جو، گاه، برنج، و غیره بود و مقداری نقد که شامل مالیات سرانه و گاه مالیات براحشام بود. طبق یک صورت از هر مرد ۴ قران، زن و کودک ۲/۲۵ قران، گوسفند و بز ۷۵٪ قران از خر و گاو یک تومان مالیات گرفته میشد. طبق صورت دیگری، از هر خانوار، سالی یک تومان و از شتر سالی ۵ ریال، گوسفند ۱۰ شاهی، گاو و الاغ ۲۵ شاهی، مادیان و گاو میش ۲ ریال بود.^۴ کرزن مینویسد که مالیات جنس در اوایل دوره قاجاریه ۱۰٪ بود، اکنون افزایش یافته ۲۰٪ است ولی به ۲۵٪ الی ۳۰٪ نیز میرسد.

اغلب منابع متفق القولند که وضع املاک خالصه خوب نبود. لمبتن به گزارشی در تاریخ ۱۲۹۶ مربوط به خوار و بلوک تهران اشاره کرده که نوشته بسیاری از دهات اعم از اربابی و خالصه روبره ویرانی نهاده اند ولی وضع زمین های اربابی در همه جا بهتر از وضع زمین های خالصه است.^۵

ژوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. همان مأخذ، نقل از استک، شش ماه در ایران. ص ۴۸۹-۴۸۷.
 ۲. G. N. Curzon, Persia and the Persian Question, 2 Vols, London, 1966, Vol.2 p.471.
 ۳. لمبتن، ص ۲۸۸-۲۸۷ و نیز مستوفی، ج ۱، ص ۴۸۹-۴۸۸.
 ۴. آدمیت فریدون. امیرکبیر و ایران، تهران ۱۳۴۵. نقل از وزیرمختار انگلیس شیل، ص ۲۸۱.
 ۵. لمبتن راجع به علل خرابی دهات مینویسد که انحطاط و خرابی دهات که در قرون گذشته در تزايد بود ناشی از افزایش و قدرت ملاکین بود. خانم کدی در مقاله دیگری به این نظریه خانم لمبتن که می گوید نظارت زمین داران و صاحبان تیول بر اختیارات قانونی اراضی محلی یکی از عوامل عمده این انحطاط بود صحیح است. ولی میافزاید: لمبتن فشار غرب را علت انحطاط کشاورزی و فقر و خرابی دهات میدانند. زیرا این امر کشاورزی ایران را وابسته به اقتصاد جهانی و مسائل استعماری کرده است.
- چارلز عیسوی نیز بر همین عقیده است و نوشته است:
- وضع زمین داری در حال تحول بود از یک سو در نوع کشاورزی و از سوی دیگر سرمایه داری شدن مملکت تغییراتی در مسئله زمین داری بوجود آورد. در نتیجه مالکان ترجیح میدادند که بهره مالکانه

از سند فوق نیز چنین بر می آید که، خالصه ها این منطقه رو به ویران میرفت و در چند مورد اشاره شده که وضع قبلاً بهتر بوده است. مثلاً راجع به قریه شهر طغان می نویسد که: «در عهد حاجی میرزا آقاسی سال ۲۰۰۰ هزار خروار جمع انبار آن بود. الحال از جمله دهات مخروبه شده است.» راجع به سعدآباد قوشچی چنین مینویسد: «قنات آنجا که خراب شده از آب رودخانه زراعت میکردند، بعد به جهت نرسانیدن آب به رعیت آنجا، زراعت کاری نمیشد. رعیت آنجا متفرق شدند و آن آباد هم خراب شد که الحال خرابه و علامت آن نمایان است.» و یادرباره قوئینک می نویسد: «از قدیم قلعه و حمام و عمارت دیوان داشته که همه آنها مخروبه است.» یا در جای دیگر نوشته در چهل سال قبل ملینه آباد و معمور بوده است. جمیع علامات آبادی موجود است....»

ظاهراً دولت، گاه توجهی به امور داشته است، ولی کارها نیمه تمام میماند؛ درباره همین ملینه می نویسد: «شش هفت سال قبل پادشاه جمجاه عالم پناه روحی و روح العالمین فداه از دارالخلافت تهران به خیال شکار حرکت فرمودند. در دیریا ملینه منزل دوم که در قصبه ورامین توقف بود. صبح از آنجا حرکت فرمودند. از مقرب الخاقان خانلرخان سؤال شد از اسم قریه، مال کیست. به خاکپای مبارک عرض شد که از دهات خالصه است. در همان ساعت حکم آبادی قریه شد. یک رشته از قنوات آنجا را (خوانده نشد) قراردادند، زیاده از این به آبادی قریه نپرداختند، حالا این قریه به هیچوجه آبادی ندارد...» و یا می نویسد در کبود گنبد: «مرحوم ظهیرالدوله پلی در سراب جاجرود قرارداد بود بسازد. پایه های پل

رابیستر به صورت نقدی دریافت کنند و حکومت نیز ترجیح میداد مالیات را بیشتر نقد بگیرد. کنسول انگلیس در اصفهان نوشته بود: «خالصجات دولت که بعلت احتیاج به پول نقد توسط دولت به فروش میرسد و اشراف ثروتمند و علما آنها را می خرند و از این راه قادر هستند که غله خود را انبار کنند... در قدیم روستائیان مالیات جنسی به دولت می پرداختند و آن را دولت به نرخ ارزان می فروخت و روستائیان نیز مجبور می شدند غله اضافی خود را زود بفروشند تا قیمت خوبی عایدشان شود. بنابراین، نرخ در بازار عادی بود ولی اکنون زمین داران بزرگ با انبار غله می توانند نرخ را تعیین کنند.»

افضل الملك هم همین عقیده را داشت:

رجوع شود به عیسوی، چارلز: تاریخ اقتصادی ایران، صفحات ۳۲۲ و ۸۲ و افضل التواریخ، ص ۲۸۸.

را تا پای پوشش وردند که هشت پایه است...ظهیرالدوله مرحوم شد مخارج پل را نزد جناب آقای میرزا صالح منظور کرده اند، و پل به همین حالت باقی است.» دولت در این دهات ساختمان هائی از قبیل انبار گاه، اصطبل عوامل و بهار بند داشت و گاه برای رعایا خانه می ساخت. ولی، مسئله ای که از این سند به دست می آید این است که اغلب ساختمان های دولتی به تعمیر نیاز داشتند. بارها سفارش تعمیرات شده است و اینکه اگر رسیدگی شود، استعداد آبادی را دارد. برای مثال درباره ایجدان می نویسد: «اصل آباد این قریه مخروبه است که ایجدان خرابه شهرت دارد، قابل آبادی است. سکنه اینجا بسیار کم است. رعیت آنجا کفایت زراعت کاری آنجا را نمی کند. از دهات خارج می آیند زراعت می کارند.» راجع به قریتین رین و باجک می نویسد «آبادی ندارد که حمام و مسجد داشته باشد. اصطبل و عوامل و انبار گاهی بی سقف در سر همان قنات از دیوان ساخته اند.

در برخی موارد می نویسد: مردم مقداری از بذر افشان دهات را برده اند، که نشان دهنده عدم توجه دولت است. حتی مینویسد که در احمدآباد مردم اراضی وقف امامزاده را برده بودند. در یک جانوشته قوام الدوله ۱۵۰ خروار و وزیر دفتر ۶۰ خروار بذر افشان باغ و چال صفر را که متعلق به همان است برده بودند. و می افزاید وزیر دفتر ۱۰ خروار هم از داوودآباد کهریزک برده اهالی مافین آباد نیز ده خروار از شمال آن آبادی برده بودند.

ریاست اداره خالصجات با میرزا رضا صدیق الدوله نوری بود. او در این اسناد به برخی از اقدامات عمرانی وی اشاره شده است. مثلاً در شهرستان صدیق الدوله چند اطاق رعیتی ساخته بود. رعایا نیز خانه به سبک بیلاقی ساخته بودند. و می افزاید: «در هر حال آبادی عمارت رعیتی لازم دارد. اشجار در این قریه نیست حمام و مسجد و قلعه ندارد. در همان حمام تقی آباد میروند هرگاه خانه ساخته شود آبادی زیاد می شود.» در بسیاری از این دهات طی همان سال

۱. بامداد، مهدی. شرح حال رجال ایران، ۶ جلد، تهران، ج ۲ ص ۱۰-۹ متأسفانه شرح حال صدیق الدوله در این کتاب مبهم است و به درستی مفهوم نیست که در چه تاریخی به ریاست اداره خالصجات مأمور شد و آن اداره در چه زمان به وزارت خالصه تبدیل گشت. آقای صفی نژاد نیز که اشاره ای به سمت این شخص دارد، منبع اطلاعات خود را ذکر نکرده است.

درختکاری به عمل آمده و چنین به نظر میرسد که وضع کلی این ناحیه مورد توجه دولت بوده است. ولی، مسلم است که به سبب اشکالات اداره خالصجات سرانجام دولت به فکر فروش خالصجات بااستثنای خالصجات بلوک تهران می افتد. زیرا اداره دهات مزبور تحت چنین شرایطی مقرون به صرفه نبود، از سوی دیگر دولت نیازمند عایدی بود.

نظر یک از رجال آن عهد، حسینقلی خان نظام السلطنه، درباره روش صحیحی که دولت در اداره خالصجات می بایست در پیش گیرد چنین بود «دولت به یک مدت ممتدی که عبارت از سی سال باشد این خالصجات را به مستأجرین متعدد معتبر اجاره بدهد که هر چهارپارچه یا ده پارچه آنها به مناسبت یک مستأجر داشته باشد. و در صدد آبادی و زراعت برآید. این دو عیب را دارد. اول آنکه اشخاص معتبر و آبرومند دخیل این معاملات نمی شوند، دوم آنکه در معاملات دولتی احدی اطمینان ثابت و دوام ندارد. و بی جهت مالش را صرف آبادی و بیهوده و قتش را صرف این کار نمی کند اطمینان ملت ایران به کار دولت ممتنع است. یک شق دیگر آن است که املاک خالصه را کلیتاً بفروشد مشروط به آنکه دیناری از نقد و جنس مالیات کسر نشود.^۱

عبداله مستوفی نیز چنین می گوید: «خرابی دهات خالصجات که بالاخره منجر به فروش آنها و ضرر دیوان شد، در اثر سوءتدبیر دولت و حیف و میل در مال دولت بود که مسئولیت آن با امین السلطان بود.»^۲ در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه فرمانی مبنی بر فروش تمامی املاک خالصه به غیر از خالصجات حومه تهران صادر گشت و در ظرف مدت ده سال مقدار بسیار فروخته شد.^۳ مستوفی مینویسد: «فقط خالصجات تهران از این آفت مصون ماند. زیرا، ناصرالدین شاه برای نان پایتخت واگذاری آنها را ممنوع کرده بود.»^۴

همان طور که مسائل مربوط به خالصجات در نقاط مختلف ایران، به عرف

۱. خاطرات و اسناد حسینقلی خان نظام السلطنه، ج ۱ ص ۸۹-۹۰.

۲. مستوفی، ج ۱ ص ۴۸۹.

۳. لمبتن، ص ۸-۲۸۷.

۴. مستوفی، ص ۴۸۷-۴۸۹.

محل، سیاست دولت و اوضاع طبیعی، بستگی داشت، به همان اندازه نیز نوع کشاورزی و مسائل مربوط به آن متفاوت بود و تابع روش واحدی نبودند. آقای صفی نژاد در کتاب خود تحت عنوان «اسناد بینه های شهری، غاروفشاپویه»^۱ مسائل مربوط به نظام کشاورزی را در ۴۵ ده از خالصجات غاروفشاپویه در جنوب تهران در سالهای ۱۳۶۵-۱۲۹۲ هجری قمری به تفصیل بررسی کرده اند. احصائیه هائی که ایشان تهیه کرده اند، به دلیل همجواری آن ناحیه با ورامین می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

به گفته آقای صفی نژاد، در منطقه تهران واحد کشاورزی را «بینه» می نامیدند. «بینه» واحدی بود که از عده ای از دهقانان تشکیل میشد و بر اساس تقسیم کار در یک یا چند قطعه زمین با مقدار آب و نیروی شخم و ابزار کار، به مدت یک سال در یک آبادی. تعداد بینه در هر آبادی به مقدار آب و زمین قابل کشت بستگی داشت. هر بینه بر اساس عوامل پنج گانه آب و زمین (عوامل غیر منقول) بذر و نیروی شخم و نیروی کار (عوامل منقول) می شد. عوامل غیر منقول متعلق به ارباب یا مالک بود. (در دهات خالصه به مستأجر ارباب می گفتند) گاه ارباب نیروی شخم و بذر را هم در اختیار بینه می گذارد. اختیار دارنده عوامل منقول را گاویند می نامیدند و تقریباً تمام دهات خالصه به شکل گاویندی اداره میشد.^۲

گاویند رابط بین مالک و زارع بود و اگر عوامل منقول را تهیه میکرد و بینه را سرپرستی میکرد، هنگام تقسیم محصول به نسبت عواملی که تهیه کرده بود سهم میبرد. تقسیم محصول بر اساس عوامل پنجگانه انجام میگرفت. محصول به پنج سهم مساوی تقسیم می شد و هر یک از عوامل سهمی میبردند. در تقسیم محصول صیفی^۳، مخارج شخم ۱۰٪ کل فروش محسوب میشد. آن را اول کسر میکردند، و

۱. صفی نژاد، جواد. اسناد بینه های شهری، غاروفشاپویه، ج ۱، چاپ تهران ۲۵۳۶.

۲. صفی نژاد. همان کتاب ص ۱۱-۱۰.

۳. در این سند از محصولات جدید و نقدی که در اثر تجارت خارجی به مرور در ایران رواج یافت و اقتصاد کشور و کشاورزی را تحت تأثیر قرارداد و آن را به بازارهای خارجی وابسته کرد صحبتی نشده است. از جمله محصولات نقدی پنبه بود که کشت و صدور آن در اواخر قرن گذشته رونق یافت و تا ۲۰ سال پیش در ورامین به شکل وسیعی کشت می شد نام برده نشده است. احتمال دارد که پنبه جزء صیفی محسوب شده است و یا رقم آن چندان قابل توجه نبوده است. ولی به احتمال قوی ممکن است دولت

سپس بقیه بین ارباب و نیروی کار تقسیم می شد. اگر بنه ها گاوبندی بودند، ۱۰٪ سهم شخم به گاوبند تعلق می گرفت. وسعت بنه به مقدار آبی که متعلق به بنه بود و همچنین به مساحت زمین بستگی داشت، و مساحت زمین نیرو شخم را مشخص می کرد. چون نیروی شخم با تعداد گاوکار مشخص می شد، بنابراین وسعت بنه را با جفت گاو می سنجیدند، (هر یک گاو یک فرد محسوب می شد و هر جفت گاو کار احتیاج به یک نفر داشت و اغلب بنه ها سه جفتی بود، یعنی ۶ نفر داشت. ریاست آنها سر بنه بود. این شش نفر صاحب نسق بودند و عضو اصلی بنه محسوب می شدند. ولی افراد دیگر مانند نجار و آهنگر و دشتبان نیز صاحب سهم بودند. سهم هر عضو بنه از محصول بستگی به موقعیت او در بنه داشت، آبیار بیشترین سهم و برزگر کمترین سهم را می برد.

دهات خالصه و رامین که در این مقاله مورد بررسی قرار می گیرند در قسمت شمال و مرکز دشت و رامین قرار دارند، و حدود آنها به تفصیل در این کتاب مشخص شده است، ولی در اینجا به علت طول کلام از تکرار آن صرف نظر می شود. اسامی دهات مزبور به قرار ذیل است:

سعدآباد قاجار، عباس آباد، سرخه حصار، کبود گنبد، حصار کلک، کفلان، صالح آباد، سعدآباد قرشچی، محمودآباد، فیلستان، باغ خواص، ملینه، خالد آباد، شهرستان، حصارک و آهنین، موسی آباد، قوئینک، ظهیرآباد، داوودآباد، کهریزک، مزرعه رستم آباد، پوئینک، خیرآباد، خاوه، شهر

کشت غله را در خالصجات نزدیک تهران ترجیح میداد، خصوصاً که کشت پنبه نسبت به غله مشکل تر است و کار بیشتری را نیازمند می باشد.

همان مأخذ، ص ۳۳.

۱. یک جفت گاو در یک روز شخم زنی (نصفه روزه) حدود ۱/۴ هکتار را شخم میزد و ۲۱/۵ من می کاشت.

همان کتاب ص ۲۰-۱۹ و ۲۶.

۲. همان کتاب ص ۱۴ و ۲۴.

طغان ،حسن آباد،کویرآباد،شمس آباد،ایجدان ،یوسف آباد،احمدآباد،رین
وباجک ،عمرآباد،طالب آباد وکل عباس.

ممیز این سند چنانچه خود می نویسد اطلاعات لازم را از پیرمردان و اهالی
دهات جمع آوری کرده است و در صورت لزوم می توانسته به کتابچه خالصه
رجوع کند. در یک مورد می نویسد: اهالی موسی آباد درباره آنچه کاشته بودند
دروغ می گفتند و آنرا کمتر نشان می دادند.

از این سند احصائیه هائی در دوازده جدول تهیه شده است که به تحلیل
محتوی آن کمک میکنند. البته می بایست اضافه کنیم که اطلاعات تمامی دهات
کامل نیست و در برخی موارد نواقصی وجود دارد. نتیجه گیری و تحلیل آمار در
قسمت آخر گزارش ارائه شده است.

جدول شماره (۱)

نفوس

قریه	خانوار	نفوس	ذکور	اناث	اطفال	طایفه
سعدآباد قاجار	۵۰	۲۱۰	۸۵	۴۰	۸۵	هداوند بختیاری
عباس آباد	۴۰	۱۵۰	۳۵	۵۰	۶۵	خواننده نشد
سرخ حصار	۲	-	-	-	-	-
کبود گنبد	۱۵	۷۳	۲۰	۲۵	۲۸	خلج مشهور به شیخ
حصار کلک	۲۰	۸۰	-	-	-	کرد بچه
کتلان	-	۴۷	-	-	-	سیل پر شیرازی
صالح آباد	۳۰	۱۷۵	۸۰	۴۵	۵۰	هداوند
سعدآباد قوشچی	-	-	-	-	-	-
محمودآباد	-	۱۳۵	۴۰	۴۵	۵۰	سیل پر
فیلستان	۱۵۰	۸۰۰	۳۰۰	-	-	هداوند-لرینی سیل پر-کرد
باغ خواص	۲۱۰	-	-	-	-	-
ملینه	-	-	-	-	-	-

-	-	-	-	۴۰۰	۴۵	خالدآباد
هداوند بختیاری	۵۰	۵۰	۶۵	۱۶۵	۴۰	شهرستان
-	۶۳	۳۳	۲۴	۱۲۰	۲۰	حصارک و آهنین
بختیاری و غیره	-	-	-	۱۰۱	۳۰	موسی آباد
-	-	-	-	-	-	قوئینک
-	-	-	-	ندارد	-	ظهیرآباد
شاهسون	۱۵۰	۱۵۰	۲۰۰	۵۰۰	۱۰۰	کهریزک داودآباد
-	-	-	-	-	-	مزرعه رستم آباد
-	-	-	-	-	۸۰	پوئینک
-	-	-	-	-	۱۰۰	خیرآباد
-	۶۰	۱۰۰	۱۱۰	۲۷۰	۷۰	خاوه
-	۴۰	۴۰	۶۰	۱۴۰	۲۷	شهر طغان
-	-	-	-	۳۷	۵	حسن آباد
-	-	-	-	-	-	کویرآباد
-	-	-	-	۳۶	۵	شمس آباد
-	-	-	-	۱۳۹	۴۰	ایجدان
-	-	-	-	۲۲۵	۴۰	یوسف آباد
-	-	-	-	۵۵۰	-	احمدآباد
هداوند	۲۴۹	۱۳۵	۱۱۶	۵۰۰	۷۰	رین باجک
-	-	-	-	۱۵۰	۳۰	عمرآبادطالب آباد
هداوند-لریسی فارس	۶۰	۵۶	۱۵۰	۲۶۶	-	کل عباس

جدول شماره (۲)
مال الاجاره و ماليات جنس

قریه	نقد (تومان)	غله (خروار)	کاه (خروار)
سعدآباد قاجار	۴۷۰	۵۶۵	۵۶۵
عباس آباد	۲۷/۹	-	-
سرخ حصار	۶۵	۱۰	۱۰
کبود گنبد	۸۵	۴۰	۴۰
حصار کلک	۱۴۰	۱۸۰	۱۸۰
کتلان	۱۳۲	۱۴۷	۱۴۷
صالح آباد	۲۹۰	۲۲۲	۲۲۲
سعدآباد قوشچی	۲۲۰	۲۲۰	۲۲۰
محمودآباد	۱۵۳	۱۷۱	۱۷۱
فیلستان	۶۰۰	۱۴۱۲	۱۴۱۲
باغ خواص	۱۲۸	۱۱۰۰	۱۱۰۰
ملینه	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰
خالدآباد	۱۳۲	۱۲۱	۱۲۱
شهرستان	۵۷۵	۴۶۰	۴۶۰
حصارک و آهنین	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
موسی آباد	۲۵۰	۲۵۰	۲۵۰
قوئینک	-	-	-
ظهيرآباد	۸۰	۸۰	۸۰
کهریزک داوودآباد	۶۲۷	۴۴۵	۴۴۵
مرزعه رستم آباد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
پوئینک	۶۹۰	۵۷۰	۵۷۰
خيرآباد	۶۸۰	۶۰۰	۶۰۰
خاوه	-	-	-
شهرطفن	۳۸۰	۴۵۰	۴۵۰
حسن آباد	۸۷	۲۹۷	۲۹۷
کوبرآباد	-	-	-
شمس آباد	۲۵۰	۲۵۰	۲۵۰
ابجدان	۴۹۲	۴۰۰	۴۰۰
یوسف آباد	۲۵۰	۲۵۰	۲۵۰
احمدآباد	۳۲۰	۴۰۰	۴۰۰
رین باجک	۲۸۷	۵۵۰	۵۵۰
عمرآباد طالب آباد	۵۰	۵۰	۵۰
کل عباس	۳۰	۶۰	۶۰
مجموع:	۸۰۹۰/۹	۹۰۵۴/۵	۹۰۵۴/۵

جدول شماره (۳)

تعداد قرامال

مادیان	اسب	الاغ	ماده گاو	شتر	گوسفند	قریه
۵	۵	۱۲	-	۴۵	۷۰	سعدآباد فاجار
۲۰	۷	۱۶	۱۲	۲۰	۵۰	عباس آباد
-	-	-	-	-	-	سرخ حصار
۲	۱۴	۴	۱۰	۲۵	۵۰	کیودگنبد
-	۱۸	۱۵	-	۴۵	۵۸۰	حصارکلک
-	۲	۷	۴	-	۳۰۰	کتلان
۷	۴	۲۵	۱۲	۱۶	۷۰۰	صالح آباد
-	-	-	-	-	-	سعدآباد قوشچی
۸	۸	۱۲	۷	۴۰	۸۰۰	محمودآباد
-	-	-	-	-	-	فیلستان
-	-	-	-	-	-	باغ خواص
-	-	-	-	-	-	ملینه
-	-	-	-	-	-	خالدآباد
۲	۳	۱۵	۱۲	-	۱۲۵۰	شهرستان
۳	-	۲۵	۱۲	-	۳۰۰	حصارک و آمین
۲	-	۷	۸	-	۱۵۰	موسی آباد
-	-	-	-	-	-	قوئینک
-	-	-	-	-	-	ظہیرآباد
۱	۲	۱۵	۲۰	۵	۵۰۰	داوودآباد کهریزک
-	-	-	-	-	-	مزرعه رستم آباد
۲۰	۱۵	۲۰	۵۰	۲۰۰	۵۰	پوئینک
۱۵	۱۰	۳۰	۱۵	۸	۹۱۰	خیرآباد
-	۳	۲۰	۲۰	-	۳۰۰	خواه
۲	-	۲۰	۲	۵۰	۵۱	شهرطفان
۲	-	۶	۳	-	۱۰۰	حسن آباد
-	-	-	-	-	-	کوبرآباد
-	-	-	-	-	-	شمس آباد
-	-	-	-	-	-	ایجدان
-	۱۰	۲۲	۱۵	۴۵	۳۰۰	یوسف آباد
-	-	-	-	-	-	احمدآباد
۱۳	۱۵۵	۵۵	۴۰	۱۳۳	۵۰۰۰	رین باجک
۶	۶	۱۲	۱۲	۷۶	۱۲۰۰	عمرآباد و طالب آباد
۴	۵	۱۲	۸	-	۲۰۰	کل عباس

جدول شماره (۴)
تعداد خانوار و قرامال

قریه	خانوار	گوسفند	شتر	ماده گاو	الاغ	اسب	مادیان
سعدآباد	۵۰	۷۰	۴۵	-	۱۲	۵	۵
عباس آباد	۴۰	۵۰	۲۰	۱۲	۱۶	۷	۲۰
کبودگنبد	۱۵	۵۰	۲۵	۱۰	۴	۱۴	۲
حصار کلک	۲۰	۵۸۰	۴۵	-	۱۵	۱۸	-
صالح آباد	۳۰	۷۰۰	۱۶۰	۱۲	۲۵	۴	۷
شهرستان	۴۰	۱۲۵۰	-	۱۲	۱۵	۳	۴
حصارک و آهنین	۲۰	۳۰۰	-	۱۲	۲۵	-	۳
موسی آباد	۳۰	۱۵۰	-	۸	۷	-	۲
شهر طغان	۷۰	۵۱	۵۰	۲	۲۰	-	۲
پوئینک	۸۰	۵۰	۲۰۰	۵۰	۲۰	۱۵	۲۰
حسن آباد	۵	۱۰۰	-	۳	۶	-	۳
خیرآباد	۱۰۰	۹۱۰	۸	۱۵	۳۰	۱۰	۱۵
خاوه	۷۰	۳۰۰	-	۲۰	۲۰	۳	-
یوسف آباد	۴۰	۳۰۰	۴۵	۱۵	۲۲	۱۰	-
رین باجک	۷۰	۵۰۰۰	۱۳۳	۴۰	۵۵	۱۵	۱۳
عمرآباد و طالب آباد	۳۰	۱۲۰۰	۷۶	۱۲	۱۲	۶	۶
مجموع:	۷۱۰	۱۱۰۶۲	۸۰۷	۲۲۳	۳۰۴	۱۱۰	۱۰۳

جدول شماره (۵)
میزان آبادی

قریه	حمام	قلعه	طاحونه	مسجد و حسینیه	عمارت رعیتی	اصطبل
سعدآباد قاجار	-	خراب	-	تعمیری	-	-
عباس آباد	-	-	-	تعمیر ندارد	-	-
سرخ حصار	-	عیب ندارد	خراب	-	-	-
کبودگنبد	-	-	ندارد	ندارد	بیمعنی	-
حصار کلک	ندارد	ندارد	-	ندارد	تعریفی ندارد	-
کتلان	ندارد	ندارد	-	ندارد	-	-
صالح آباد	دارد	خراب	-	ندارد	سبک بیلاقی	دارد
سعدآباد قوشچی	-	خراب	-	-	-	-
محمودآباد	ندارد	ندارد	-	ندارد	خوب	-
فیلستان	خوب	خراب	-	تعمیر کرده اند خوب	خوب	دارد
باغ خواص	رو به خرابی	گنجایش نداشت	-	تعمیر لازم دارد	بیقاعدگی و بد	دارد
ملینه	-	-	-	-	-	-
خالدآباد	دارد	خراب	-	دارد	-	ندارد
شهرستان	ندارد	ندارد	-	ندارد	بسبک رعیتی	دارد
حصارک و آهنین	-	خراب	-	-	دارد	-
موسی آباد	دارد	-	-	-	ساخته شده	دارد
قوئینک	خراب	خراب	خراب	-	بیعنی	-

-	-	-	-	دارد بی سکنه	-	ظهرآباد
دارد	-	-	-	قابل تعمیر نیست	خراب	کهریزک داوودآباد
-	-	-	-	-	-	مزرعه رستم آباد
-	از خودشان ساخته اند	ندارد	-	ندارد	دارد	پوئینک
دارد	عیبی ندارد	-	خراب شده	ندارد	دارد	خیرآباد
دارد	-	-	-	-	خراب	خاوه
-	-	-	-	قدیمی خراب	-	شهر طغان
-	-	ندارد	-	ندارد	ندارد	حسن آباد
-	-	ندارد	-	-	دارد	کویرآباد
-	ندارد	ندارد	-	خراب	ندارد	شمس آباد
-	-	دارد	خوب	ندارد	دارد	ایجدان
دارد	از خود رعایا	ندارد	-	خراب	-	یوسف آباد
-	از خودشان	دارد	دارد	کهنه	دارد	احمدآباد
-	-	-	-	آثار قلعه	ندارد	رین باجک و ۲ قریه
دارد	از دیوان است	ندارد	-	خراب هشت	ندارد	عمرآباد و طالب آباد
-	-	بسیار خوب	-	خراب	بسیار خوب	کل عباس

جدول شماره (۶)
وضع قنوات

قريه	قنات	ميزان	مخارج	مقدار	نهر	رودخانه
سعدآباد قاجار	۲رشته	باير	۲هزار تومان	-	خوانده نشد	-
عباس آباد	-	-	-	-	جاجرود	جاجرود
سرخ حصار	ندارد	-	-	-	-	-
كبودگنبد	ندارد	-	-	-	-	جاجرود
حصاركلک	ندارد	-	-	-	-	-
كتلان	دارد	باير	-	-	خيرآباد	-
صالح آباد	۱رشته	-	۳۵۰ تومان	يك سنگ	صالح آباد	-
سعدآباد قوشچي	۱رشته	-	-	نيم سنگ	داوودآباد	-
محمودآباد	ندارد	-	-	-	خيرآباد	-
فيلستان	۱رشته	باير	-	-	-	-
باغ خواص	۳رشته	داير	-	۳سنگ	-	-
ملينه	۲رشته	يك رشته	-	۱سنگ	رين باجک ولایت حيدري	-
خالدآباد	۱رشته	باير	-	نيم سنگ	رين باجک و ملينه	-
شهرستان	۱رشته	داير	-	۲سنگ	شهرستان	-
حصارک و آهنين	۲رشته	يك رشته باير	-	نيم سنگ	-	-
موسی آباد	۱رشته	داير	-	۱سنگ	رودآبی مشترک	-
قوئينک	۱رشته	-	-	۳سنگ	رودآبی و رين باجک	-
ظهیرآباد	۱رشته	-	-	۱ ربع و نيم	-	-
داوودآباد کهریزک	۲رشته	باير	۱۰۰۰ تومان	۱سنگ و نيم	-	جاجرود

		۱	-	-	ارشته	رستم آباد
-	-	اسنگ	۱۲۰۰ تومان	۱ بایر و ۱ دایر	۲ رشته	پوئینک
-	رودآبی	اسنگ	۳۰۰ تومان	دایر	ارشته	خیر آباد
-	رودآبی و طغان	۲ اسنگ	-	ارشته دایر	۳ رشته	خواه
-	رودآبی	اسنگ	-	بایر	۳ رشته	طغان
-	-	-	-	-	ارشته	حسن آباد
-	رودآبی	خمس سنگ	-	-	ارشته	کویر آباد
-	-	اسنگ	-	۱ دایر و ۱ بایر	۲ رشته	شمس آباد
-	-	اسنگ	-	دایر	ارشته	ایجدان
-	-	اسنگ	-	دایر	ارشته	یوسف آباد
-	-	۲/۵ اسنگ	۴۰۰ تومان	بایر	۲ رشته	احمد آباد
-	رین و قوئینک	۲ اسنگ	۱۵۰۰ تومان	هم دایر	۲ رشته	رین باجک آباد
-	-	-	۱۰۰۰ تومان	۱ بایر و ۱ دایر	۲ رشته	عمر آباد و طالب آباد
-	رودآبی ندارد	-	-	دایر	۲ رشته	کل عباس

جدول شماره (۷)

بذرافشان، بذرکاشته شده و درصد کشت

قریه	بذرافشان	بذرکاشته شده	درصد
عاس آباد	۳۰۰	۷۰	٪۲۳
حصارکلک	۲۰۰	۴۲	٪۲۱
کنلان	۱۵۰	۴۸	٪۳۲
صالح آباد	۱۵۰	۷۵	٪۵۰
سعدآباد قوشچی	۳۵۰	۵۰	٪۱۴
محمودآباد	۱۵۰	۴۲	٪۲۸
باغ خوراص	۱۸۰۰	۲۴۶	٪۱۳
ملینه	۱۰۰	۸۰	٪۸۰
خالدآباد	۵۰	۲۱	٪۴۲
شهرستان	۲۵۰	۱۴۰	٪۵۶
حصارک و آهنین	۳۰۰	۴۰	٪۱۳
داوودآباد کهر بزرگ	۶۰۰	۱۱۰	٪۱۸
پونینک	۳۵۰	۱۳۰	٪۳۷
خیرآباد	۱۵۰	۱۲۶	٪۸۴
شهر طغان	۳۰۰	۱۰۰	٪۳۳
حسن آباد	۱۲۶	۶۵	٪۵۱
شمس آباد	۱۵۰	۶۰	٪۴۵
ابجدان	۲۰۰	۹۲	٪۵۹
یوسف آباد	۱۵۰	۶۰	٪۴۰
رین باجک	۳۵۰	۱۸۰	٪۵۱
طالب آباد	۱۵۰	۵۵	٪۳۶
کل عباس	۱۲۰	۱۰	٪۸
مجموع	۶۴۴۶	۱۸۴۲	

جدول شماره (۸)

عوامل، بذر، صیفی

قریه	دیوانی	اربابی	رعیتی	گاو بندی	دیوانی	اربابی	رعیتی	گاو بندی	صیفی
سعدآباد قاجار	۲۰	-	۴۰	-	-	-	-	-	شلتوک
عباس آباد	۲۰	-	۲۰	-	۳۰	-	-	-	بنه ۳
سرخ حصار	-	-	-	-	-	-	-	۲	-
کبود گنبد	-	-	-	۸	-	-	-	۲۰	بنه ۲
حصار کلک	۴	-	۱۶	-	-	۱۰	۳۲	-	بنه ۲
کتلان	۷	-	۱۲	-	-	۱۸	۳۰	-	بنه ۲
صالح آباد	۱۰	-	-	۱۸	۳۰	-	۴۵	-	بنه ۳
سعدآباد قوشچی	۸	-	-	۱۲	۲۰	-	-	۵۰	بنه ۲
محمود آباد	-	۴	۲۴	-	۱۲	-	۳۰	-	بنه ۱
فیلستان	۱۶	-	-	۸۰	۵۰	-	-	۲۰۰	-
باغ خواص	۴۲	-	۵۶	-	-	۱۲۶	۱۲۰	-	بنه ۵/۶
ملینه	۱۰	-	-	۲۴	۳۰	-	-	۵۰	بنه ۴
خالد آباد	۶	-	-	۴	۱۵	-	-	۶	-
شهرستان	۲۰	-	-	۲۴	۱۰۰	-	-	۴۰	بنه ۵
حصارک و آهنین	۴	-	-	۱۲	۲۲	-	۱۸	-	-
موسی آباد	-	-	۱۲	-	-	-	-	۳۰	-
قوئینک	-	-	-	-	-	-	-	-	-
ظهیر آباد	-	-	-	-	-	-	-	-	-
داودآباد کهریزک	۲۰	-	-	۳۴	۶۰۰	-	-	۵۰	بنه ۴

جدول شماره (۹)

مال الاجاره، ماليات جنس و مقدار بذر

قریه	نقد (تومان)	غله (خروار)	کاه (خروار)	بذر کاشته شده
حصار کلک	۱۴۰	۱۸۰ خروار	۱۸۰ خروار	۴۲ خروار
کتلان	" ۱۳۲	" ۱۴۷	" ۱۴۷	" ۴۸
صالح آباد	" ۲۹۰	" ۲۲۲	" ۲۲۲	" ۷۵
سعد آباد فرسجی	" ۲۲۰	" ۲۲۰	" ۵۰	
محمود آباد	" ۱۵۳	" ۲۴۱	" ۲۴۱	" ۴۲
فیلستان	" ۶۰۰	" ۱۴۱۲	" ۱۴۱۲	" ۲۵۰
باغ خواص	" ۲۸	" ۱۱۰۰	" ۱۱۰۰	" ۲۴۶
ملینه	" ۳۰۰	" ۳۰۰	" ۳۰۰	" ۸۰
خالد آباد	" ۱۳۲	" ۱۲۱	" ۱۲۱	" ۲۱
شهرستان	" ۵۷۵	" ۴۶۰	" ۴۶۰	" ۱۴۰
حصارک	" ۲۰۰	" ۲۰۰	" ۲۰۰	" ۴۰
کهریزک داوود آباد	" ۶۲۷	" ۴۴۵	" ۴۴۵	" ۱۱۰
پونینک	" ۶۹۰	" ۵۷۰	" ۵۷۰	" ۱۳۰
خیر آباد	" ۶۸۰	" ۶۰۰	" ۶۰۰	" ۱۲۶
شهر طغان	" ۳۸۰	" ۴۵۰	" ۴۵۰	" ۱۰۰
حسن آباد	" ۸۷	" ۲۹۷	" ۲۹۷	" ۶۵
شمس آباد	" ۲۵۰	" ۲۵۰	" ۲۵۰	" ۶۰
ایجدان	" ۴۹۲	" ۴۰۰	" ۴۰۰	" ۹۲
یوسف آباد	" ۲۵۰	" ۲۵۰	" ۲۵۰	" ۶۰
احمد آباد	" ۴۲۰	" ۴۰۰	" ۴۰۰	" ۹۶
ربن باجک	" ۲۸۷	" ۵۵۰	" ۵۵۰	" ۱۸۰
عمر آباد طالب آباد	" ۵۰	" ۵۰	" ۵۰	" ۵۵
کل عباس	" ۳۰	" ۶۰	" ۶۰	" ۱۰
مجموع:	۶۹۱۳	۸۹۲۵	۸۹۲۵	۲۱۱۸

جدول شماره (۱۰)
تعداد خانوار، مال الاجاره و مالیات جنس

قریه	تعداد خانوار	نقد (تومان)	غله (خروار)	کاه (خروار)
سعدآباد	۵۰	۴۷۰	۵۶۵	۵۶۵
سرخ حصار	۲	۶۵	۱۰	۱۰
کبودگنبد	۱۵	۸۵	۴۰	۴۰
حصارکلک	۲۰	۱۴۰	۱۸۰	۱۸۰
صالح آباد	۳۰	۲۹۰	۲۲۲	۲۲۲
فیلستان	۱۵۰	۲۰۰	۱۴۱۲	۱۴۱۲
باغ خواص	۲۱۰	۱۲۸	۱۱۰۰	۱۱۰۰
خالدآباد	۴۵	۱۳۲	۱۲۱	۱۲۱
شهرستان	۴۰	۵۷۵	۴۶۰	۴۶۰
حصارک و آهنین	۲۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
موسی آباد	۳۰	۲۵۰	۲۵۰	۲۵۰
پوئینک	۸۰	۶۹۰	۵۷۰	۵۷۰
خیرآباد	۱۰۰	۶۸۰	۶۰۰	۶۰۰
شهر طغان	۲۰	۳۸۰	۴۵۰	۴۵۰
حسن آباد	۵	۸۷	۲۹۷	۲۹۷
شمس آباد	۵	۲۵۰	۲۵۰	۲۵۰
ایجدان	۴۰	۴۹۲	۴۰۰	۴۰۰
یوسف آباد	۴۰	۴۹۲	۲۵۰	۲۵۰
رین باجک	۷۰	۲۸۶	۵۵۰	۵۵۰
عمرآباد	۳۰	۵۰	۵۰	۵۰

مجموع:	۱۰۱۲	۵۷۰۱	۷۹۷۷	۷۹۷۷
--------	------	------	------	------

جدول شماره (۱۱)

مال الاجاره بطور تساعدي و نسبت آن به ماليات جنس

کاه	غله (جنس)	نقد (تومان)	قریه
-	-	۲۷/۵	عباس آباد
۶۰	۶۰	۳۰	کل عباس
۵۰	۵۰	۵۰	عمر آباد
۱۰	۱۰	۶۵	سرخ حصار
۸۰	۸۰	۸۰	ظهير آباد
۴۰	۴۰	۸۵	کبود گنبد
۲۹۷	۲۹۷	۸۷	حسن آباد
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	مزرعه رستم آباد
۱۱۰۰	۱۱۰۰	۱۲۸	باغ خواص
۱۲۱	۱۲۱	۱۳۲	خالد آباد
۱۴۷	۱۴۷	۱۳۲	کتلان
۱۴۰	۱۴۰	۱۴۰	حصار کلک
۱۷۱	۱۷۱	۱۵۳	محمود آباد
۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	حصارک و آهنین
۲۲۰	۲۲۰	۲۲۰	سعد آباد قوشچی
۲۵۰	۲۵۰	۲۵۰	یوسف آباد
۲۵۰	۲۵۰	۲۵۰	شمس آباد
۲۵۰	۲۵۰	۲۵۰	موسی آباد
۵۵۰	۵۵۰	۲۸۷	رین باجک

۲۲۲	۲۲۲	۲۹۰	صالح آباد
۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	ملینه
۴۰۰	۴۰۰	۳۲۰	احمد آباد
۴۵۰	۴۵۰	۳۸۰	شهر طغان
۵۶۵	۵۶۵	۴۷۰	سعد آباد قاجار
۴۰۰	۴۰۰	۴۹۲	ایجدان
۴۶۰	۴۶۰	۵۷۵	شهرستان
۱۴۱۲	۱۴۱۲	۶۰۰	فیلستان
۴۴۵	۴۴۵	۶۲۷	داوود آباد کهریزک
۶۰۰	۶۰۰	۶۸۰	خیر آباد
۵۷۰	۵۷۰	۶۹۰	پونینک

جدول شماره (۱۲)
تقسیم محصول نسبت به عوامل

قریه	محصول (خروار)	سهم هر عامل (خروار)	بذر	عوامل (فرد)
کیودگنبد	۲۰۰	۳۶/۹۶	گاوبندی	گاوبندی
حصارکلک	۴۲۰	۷۷/۶	اربابی ورعیتی	دیوانی ورعیتی
کنلان	۴۸۰	۸۸/۷	"	"
صالح آباد	۷۵۰	۱۳۸	دیوانی ورعیتی	دیوانی گاوبندی
سعدآباد قوشچی	۵۰۰	۹۲	دیوانی و گاوبندی	"
محمودآباد	۴۲۰	۷۷/۶	دیوانی ورعیتی	اربابی ورعیتی
فیلمستان	۲۵۰۰	۴۶۲	دیوانی، گاوبندی	دیوانی، گاوبندی
باغ خواص	۲۴۶۰	۴۵۴	اربابی ورعیتی	دیوانی ورعیتی
ملینه	۸۰۰	۵۵/۸	دیوانی، گاوبندی	دیوانی، گاوبندی
خالدآباد	۲۱۰	۳۸/۸	"	"
شهرستان	۱۴۰۰	۲۵۷/۷	"	"
حصارک و آهنین	۴۰۰	۷۳/۹	دیوانی ورعیتی	دیوانی، گاوبندی
موسی آباد	۳۰۰	۵۵	گاوبندی	رعیتی
داوودآباد کهر بزرگ	۱۱۰۰	۲۰۳	دیوانی، گاوبندی	دیوانی، گاوبندی
پوئینک	۱۳۰۰	۲۴۰	دیوانی ورعیتی	"
شهر طغان	۱۱۰۱	۲۰۳	"	اربابی ورعیتی
حسن آباد	۶۵۰	۱۲۰	"	دیوانی ورعیتی
کویرآباد	۲۴۰	۴۴	"	"
شمس آباد	۶۰۰	۱۱۱	اربابی ورعیتی	اربابی ورعیتی
ایجدان	۹۲۰	۱۷۰	"	"
یوسف آباد	۶۰۰	۱۱۱	دیوانی ورعیتی	دیوانی ورعیتی
احمدآباد	۹۶۰	۱۷۷	"	"
رین باجک	۱۸۰۰	۳۳۲	گاوبندی	گاوبندی

تحلیل آمار و نتیجه گیری

چنانچه دیدیم، در جدول شماره یک، تعداد خانوار و نفوس، ذکور و اناث و اطفال و اسامی طوایف مشخص شده است که این نتایج از آن بدست می آید: از ۹ دهه که تعداد خانوار ذکور و اناث و اطفال آن مشخص است، تعداد اطفال در هر خانوار ۱/۹ است.

از ۱۷ دهه که تعداد خانوار و نفوس آنها معین است، میانگین تعداد یک خانوار پنج نفر است.

۲۲ دهه که تعداد خانوار آنها مشخص است:

تعداد دهات	درصد دهات	خانوار
ده ۱۵	٪۶۸	زیر ۵۰ خانوار جمعیت دارند.
ده ۴	٪۱۸	" " " ۵۰ الی ۱۰۰
ده ۲	٪۹	" " " ۱۰۰ الی ۱۵۰
ده ۱	٪۴/۵	" " " ۱۵۰ الی ۲۰۰

۲۳ دهه که تعداد نفوس آنها مشخص است:

ده ۵	٪۲۱	۱۰۰ نفر جمعیت دارند.
ده ۹	٪۳۹	۱۰۰ الی ۲۰۰ نفر
ده ۴	٪۱۷	۲۰۰ الی ۳۰۰ نفر
ده ۱	٪۴	۳۰۰ الی ۴۰۰ نفر
ده ۲	٪۸/۶	۴۰۰ الی ۵۰۰ نفر
ده ۱	٪۴	۵۰۰ الی ۶۰۰ نفر
ده ۱	٪۴	۶۰۰ الی ۸۰۰ نفر

جدول شماره ۲، میزان مال الاجاره نقد و مالیات جنس را، که شامل غله و کاه است، مشخص کرده است، و این نتیجه را به دست می دهد:

از ۱۰۰ تومان مالیات نقد می پرداخت.	ده ۷
از ۱۰۰ تومان الی ۲۰۰ تومان.	ده ۶
از ۲۰۰ تومان الی ۳۰۰ تومان.	ده ۷
از ۳۰۰ تومان الی ۴۰۰ تومان.	ده ۳
از ۵۰۰ تومان الی ۶۰۰ تومان.	ده ۲
از ۶۰۰ تومان الی ۷۰۰ تومان.	ده ۳

مالیات جنس، گندم و کاه

در ۵ ده تا ۱۰۰ خروار گندم و کاه پرداخت می شد.
 در ۵ ده از ۱۰۰ خروار الی ۲۰۰ خروار
 در ۷ ده از ۲۰۰ خروار الی ۳۰۰ خروار
 در ۱ ده از ۳۰۰ خروار الی ۴۰۰ خروار
 در ۵ ده از ۴۰۰ خروار الی ۵۰۰ خروار
 در ۳ ده از ۶۰۰ خروار الی ۷۰۰ خروار
 در یک مورد ۱۱۰۰ خروار و یک مورد ۱۴۱۲ خروار بود.

طبق نظر آقای صفی نژاد، کشت صیفی نصف کشت پائیز تخمین زده می شد و اغلب بذر را زارع تهیه می کرد. در این اسناد در مورد پنبه که تا حدود ۲۰ سال پیش عمده محصول بهاره و رامین را شامل می گشته اسمی برده نشده است. محتمل است یا همراه صیفی محسوب شده و یا اینکه در آن مقطع زمانی در

خالصجات ورامین کشت نمی شده است.

جدول شماره ۳، مشخص کننده تعداد احشام: گوسفند، ماده گاو، الاغ، شتر، اسب و مادیان است.

و جدول شماره ۴، نشان دهنده تعداد قرامال نسبت به هر خانوار در ۱۷ ده است. میانگین گوسفند برای هر خانوار ۱۵/۵ راس است و تعداد گوسفند نسبت به سایر قرامال ۸۲/۹٪ است ذکر این نکته در این جا ضروری است که تعداد گوسفند و سایر احشام در دهات متفاوت بود و بستگی به وضع طبیعی داشت. و نیز باید بیافزائیم کلاً دهات ورامین به جهت دامداری چندان مناسب نبودند.

جدول شماره ۵، به وضع آبادی دهات به استثنای قنوات که جداگانه مورد بحث قرار گرفته اند، پرداخته است.

چنانچه مشاهده می کنیم اغلب حمامها و قلعه جات خراب شده اند. عمارات رعیتی نیز اغلب بد ساخته شده اند. بنابر گفته نویسنده سند این خانه ها بیلاقی بودند. در ۱۹ ده در آن سال درخت کاشته بود و اسامی مستأجرین ۱۵ ده را نیز مشخص کرده که هیچ یک از افراد شاخص نیستند.

در جدول شماره ۶، و وضعیت قنوات و میزان خرابی یا امکان تعمیر آنها و همچنین مخارج تعمیر هشت قنات را آورده است. هر یک از دهاتی را که از آب رودخانه یا نهر استفاده می نمودند مشخص نموده. از قناتهای دایر:

۳ سنگ آب داشت.	۲۱ قنات
۲/۵ سنگ آب داشت.	۱ قنات
۲ سنگ آب داشت.	۳ قنات
۱/۵ سنگ آب داشت.	۲ قنات
۱ سنگ آب داشت.	۸ قنات

۴ قنات	۵٪ سنگ آب داشت.
۱ قنات	۴/۱ سنگ آب داشت.
۱ قنات	۵/۱ سنگ آب داشت.

جدول شماره ۷ مقدار بذرافشان (آقای صفی نژاد می گوید هر خروار بذرافشان معادل ۲ هکتار زمین بود)، میزان بذر کاشته شده و درصد کشت را نسبت به بذرافشان در ۲۲ ده تعیین کرده است.^۱

میانگین زمین های کشت شده ۸/۲٪ است که اندکی از ۳/۱ کمتر می باشد و مقدار زمین که کاشته شده در این دهات به قرار ذیل بوده است:

در ۱۰ ده	۸٪ الی ۳۳٪
در ۶ ده	کمتر از ۵۰٪
در ۴ ده	کمتر از ۶۰٪
در ۲ ده	۸۰٪ الی ۸۴٪

در اینجا باید اضافه کنیم که مسئله به چگونگی گردش آب مربوط می شد چنانکه قبلاً توضیح داده شد. جدول شماره ۸، مشخص کننده عوامل از جمله: دیوانی، اربابی، رعیتی و گاوبندی است. سهم دیوان در اداره املاک بیش از سایرین می نماید که شاید به علت نزدیکی این دهات به تهران بود که در اداره این املاک دخالت مستقیم می کرد.

نوع عوامل در ۲۷ مورد بدین قرار تقسیم شده اند.

۱. طبق نظر آقای صفی نژاد، بهترین گندم را قبل از تقسیم بین اعضای بنه برای بذر سال آینده انبار می کردند. تولیدکنندگان بذر مرغوب از گندم بنه های دیگر سهم می برد. همان مأخذ. ص ۲۷.

- ۹ بار عوامل دیوانی رعیتی
- ۱۱ بار عوامل دیوانی
- ۴ بار عوامل ارباب رعیتی
- ۱ بار عوامل گاوبندی
- ۱ بار عوامل دیوانی اربابی

مقدار بذر در ۲۸ مورد بدین قرار تقسیم شده است.

- ۱۰ بار دیوانی و رعیتی
- ۸ بار دیوانی و گاوبندی
- ۵ بار اربابی و رعیتی
- ۵ بار گاوبندی

جدول شماره ۹، میزان مال الاجاره نقدی و میزان مالیات جنس به صورت غله (۱/۳ جو و ۲/۳ گندم بود و سطح زیر کشت گندم دو برابر جو بود)، و کاه را در ۲۳، ده نسبت به بذر کاشته شده نشان می دهد^۱.

چنانچه بر حسب میانگین هر تخم ۱۰ تخم (که امروزه نیز همین میانگین در ورامین محسوب می شود) حساب کنیم، دولت ۴۲٪ محصول غله را دریافت می کرد و همان مقدار کاه، که این مقدار با آنچه کرزن می گوید ۲۰ الی ۳۰ درصد غله را دولت می گرفت، مغایرت دارد. طبق همین جدول می توانیم چنین محاسبه کنیم که ۱۰٪ بذر است و مابقی برای مصرف ۴۸٪ محصول است. همچنین اگر بر

۱. برای اطلاع بیشتر از نحوه تقسیم کاه رجوع شود به صفی نژاد ص ۹۴.

حسب قیمت هر خروار غله ۳ تومان و کاه ۰.۷۵٪ تومان محاسبه کنیم، میانگین مال الاجاره نسبت به قیمت محصول ۲۰٪ است.

جدول شماره ۱۰، بر اساس تعداد خانوار، مال الاجاره نقد، قیمت غله و کاهی که به دولت پرداخت می شد تهیه شده است. طبق این آمار سهم هر خانوار ۵/۶، تومان مال الاجاره به نسبت ۷/۸ خروار غله و به همان میزان کاه است.

جدول شماره ۱۱، مال الاجاره تصاعدی را در مقایسه با مالیات جنسی در ۳۰ مورد نشان می دهد. در نتیجه این محاسبه می بینیم که در:

در ۸ مورد مال الاجاره	کمتر از ۱۰۰ تومان است.
در ۶ مورد مال الاجاره	کمتر از ۲۰۰ تومان است.
در ۷ مورد مال الاجاره	کمتر از ۳۰۰ تومان است.
در ۲ مورد مال الاجاره	کمتر از ۴۰۰ تومان است.
در ۳ مورد مال الاجاره	کمتر از ۵۰۰ تومان است.
در ۲ مورد مال الاجاره	کمتر از ۶۰۰ تومان است.
در ۳ مورد مال الاجاره	کمتر از ۷۰۰ تومان است.

در ده مورد مال الاجاره با مقدار کاه و غله برابر است که ملکه نیز آن را خاطر نشان کرده است.^۲

جدول شماره ۱۲ بر اساس تقسیم محصول نسبت به عوامل، با استفاده از جدولی که آقای صفی نژاد تهیه کرده اند محاسبه شد. بنابر گفته ایشان ۷/۶٪

۱. تعیین نرخ دقیق غله (گندم و جو) و کاه در یک منطقه در سال آسان نیست. این نرخ با استفاده از ارقام کتب عیسوی، ص ۲۷، کرزن ۴۸۰ و محمدعلی جمالزاده، گنج شایگان، چاپ دهم، ۱۳۶۲، ص ۱۸۶ محاسبه شده است. به مسئله تورم و بخصوص کاسته شدن ارزش قران و نوسانات قیمت ها نیز باید توجه کرد که چه تأثیری در سطح زندگی بوجود می آورد. رجوع شود به عیسوی. فصل ۸.

۲. لمبتن: نقل از ملکم، ص ۲۷۹.

محصول را بابت سهم نجار، آهنگر، دشتبان، کدخدا، آخوند و گاوچران و سایر مخارج بنه از کل محصول کسر می‌کردند، سپس بقیه محصول را به پنج عامل آب، زمین، بذر، نیروی شخم و نیروی کار بنه تقسیم بنه از کل محصول کسر می‌کردند، سپس بقیه محصول را به پنج عامل آب، زمین، بذر، نیروی شخم و نیروی کار بنه تقسیم می‌کردند. در برخی نقاط قبل از تقسیم بذر را نیز کسر می‌کردند و محصول را به ۴ قسمت تقسیم می‌کردند،^۱ که در اینجا بذر کسر نشده است. در نتیجه این محاسبه و (بر اساس از هر تخمی ده تخم) می‌بینیم که:

در ۶ ده هر عاملی کمتر از ۲۰۰ خروار سهم داشت.

در ۴ ده هر عاملی کمتر از ۳۰۰ خروار سهم داشت.

در ۱ ده هر عاملی کمتر از ۴۰۰ خروار سهم داشت.

در ۲ ده هر عاملی کمتر از ۵۰۰ خروار سهم داشت.

علاوه بر آماری که از این سند به دست می‌آید که در تحلیل وضع کشاورزی و اداره خالصجات و رامین مفید است، این سند حاوی اطلاعات دیگری نیز از روحیات و اعتقادات مردم این نواحی است، که به شناخت هر چه بیشتر از وضع معیشت مردم کمک می‌کند. برای مثال راجع به خالدآباد مینویسد، «در وسط قلعه یک تل خاکی و خاکروبه است. به قدری بلند است که در سر تل که می‌روند همه خانه‌ها نمایان است. بسیار بی‌معنی و بی‌قاعده است. هیچ کس میل توقف آنجا را ندارد.»

و یا در باره باغ خواص می‌نویسد: «چند تل خاکستر و خاکروبه در آبادی باغ هست مدتی است که روی هم ریخته‌اند. به همین واسطه در آبادی باغ خواص نمی‌توان ماند.» در باره قریه سرخه حصار نوشته که در جنب شرقی رودخانه

۱. صفی‌نژاد، ص ۲-۳۱.

جاءرود كه تقسيم آب مي شود قرار گرفته و با «تديرات» بسيار از رودخانه بايد آب بياورند. «و زماني كه باران مي آيد و سيل از كوه سرازير مي شود، همه را خراب مي كند، خيلي زحمت دارد.» در باره قريه قوئينك چنين مي آورد: «عمارات رعيتي اين قريه بسيار بي معني است. از خودشان چيزي كه در اين قريه ساخته شده دو انبار كاه سر پوشيده، يك آفتابي (است). از علامات طاحونه خراب در سمت غربي آبادي هست. يك لنگه سنگ طاحونه هم آنجا افتاده چناري هم در آنجا هست...» و يا نوشته كه اهالي كبود گنبر و طالع بيني «سخن آفرين» بودند و به همه ايران مي رفتند و يا مي نويسد: «در سعدآباد قوشچي تنها چيزي به از آبادي قديم باقي مانده بود يك درخت توت بود، آن را هم شخصي شاخه او را قطع کرده، چندي گذشت فوت شد و ديگر كسي جرأت نمي كند او را ببرد. به همين واسطه محفوظ ماند و الا تا به حال او را قطع کرده بودند.» بعضي از امامزاده ها كرامات داشتند و از جمله در طالب آباد امامزاده اسحاق از اولاد امام موسي كاظم عليه السلام از وي «كرامات بسياري بروز کرده» و يا در قريه ايجدان امامزاده اي مدفون است. مسمي به شاهزاده محمد بن زيد بن امير المؤمنين «كشف و كرامات اين بزرگوار در جميع بلوكات دارالخلافة شهرت دارد.» در عرض شال ده هزار نفر به زيارت آن مي رفتند و دو هزار رأس گوسفند قرباني مي كردند. مسئله اي كه قبلاً نيز بدان اشاره شد، خرابي قلعه ها است. كه تعداد آنها در اين دشت زياد است. برخي از آنها را نقاره خانه مي گفتند. اغلب به علت خرابي يا تنگي جا مردم در بيرون از آنها زندگي مي كردند، كه شايد حاكي از امنيت نسبي است. در باره قلعه باغ خواص مي نويسد: «در سنوات قبل قلعه بسيار خوب بزرگي داشته كه الحال مخروبه است، لکن سکنه دارد. از کثرت جمعیت قلعه گنجایش نداشت، در چهار سمت قلعه رعایا خانه ساختند منزل گرفتند.» عرض دیوار قلعه عمرآباد طوری بود که دو نفر روی دیوار آن خانه ساخته بودند. راجع به قلعه ایرج در سعدآباد قاجار نوشته است. که چنان بنایی بود که «بعد از چندین سال هنوز بیست زرع

* * *

در خاتمه باید اشاره کرد که با وجود اینکه از آمار این سند نمی‌توان به نتایج کلی دست یافت ولی، آنچه از اطلاعات و احصائیه آن می‌توان استنباط کرد، وضع دهات خالصجات در اینجا بدین قرار بود:

۱. خرابی دهات خالصه، کم جمعیتی، کم آبی، فقر عمومی.
۲. توجه دولت به خالصجات نزدیک تهران در این برهه زمانی، که جمع‌آوری این احصائیه نشانه آن است.
۳. برنامه عمرانی دولت از قبیل سفارش تعمیرات و برآورد مخارج و امکانات آبادی که تهیه این احصائیه از علائم آن می‌باشد.

آنچه می‌توان در اینجا اضافه کرد این است که به احتمال زیاد اصلاحات

۱. در دشت ورامین قلعه‌جات بسیاری به چشم می‌خورد و کرزن مفصلاً آنها را توصیف کرده است. از جمله راجع به قلعه ابرج می‌نویسد: «در سراسر دشت قلعه‌های دیگر گلی پراکنده است که برج و باروهائی از خشت خام دارد این خشت‌ها را در خمیره‌ای با استحکام سیمان غیر قابل فساد، مثل آهن کار گذاشته‌اند... قلعه سوم که به قلعه ابرج معروف است نزدیک دهکده جعفرآباد است که در اطراف آن دیوار گلی ضخیمی است با پنجاه پا ارتفاع و محوطه‌اش بنا بر تحول استویک ۱۸۰۰ یارد در ۱۵۰۰ یارد تقریباً یک میل مربع است. تاریخ و دوره این استحکامات حیرت‌انگیز، نامعلوم و مورد اختلاف است و بعید است که به روزگار خیلی قدیم تعلق داشته باشد. ولی به هر دوره‌ای که مربوط باشد زمانی بوده است که، ایران از حال حاضر تواناتر و صاحب جمعیت بیشتری بوده هر چند که سرزمین امن و خالی از خطری به شمار نمی‌رفته است. این بناهای خاموش بانگ ویرانی ایران سرزمین را در گوش‌ها دو چندان می‌سازند.

کرزن، ایران و قضیه ایران، ترجمه وحید مازندارانی، ۲ جلد، تهران، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۴۵۶.

پیشنهادی در این احصائیه بعد از میرزا حسین خان ادامه نیافت و وضع دهات به همان حال باقی ماند و یا چنانچه فوقاً اشاره شد رو به انحطاط گذارد، و حتی اصلاحات دوره مشروطه نیز تأثیر چندانی در بهبود وضع آنها نبخشید، تا قانون فروش خالصجات اطراف تهران مصوب ۲۰ آبان ۱۳۱۶ شمسی که اجازه داد این املاک از طریق مزایده بفروش برسند.

